

جهاد الفبایی

این خانم‌ها تعطیلات تابستانشان را برای آموزش به بچه‌های جامانده از تحصیل در حاشیه شهر می‌گذارند



شروع تدریس از مسجد

آخرین روزهای مردادماه بود. خورشید با تمام قوا می‌تابید. از دفتر روزنامه که راه افتادیم از خیابان‌های زیادی عبور کردیم. آخرین تابلوهایی که در خاطرمان مانده است میدان باررضوی بود و خیابان حر. بقیه‌اش تصویر بولوار بلندی است که هر چه می‌رفتیم به انتهایش نمی‌رسیدیم تا اینکه به کوچه بن بست رسیدیم که منتهی به مدرسه‌ای بزرگ بود؛ مدرسه شیخ طوسی. قرارمان سرکلاس‌هایی بود که صدلی‌هایش خالی نبودند و معلمان جهادی در حال تدریس بودند؛ کلاس‌های تقویتی.

قصه از فهمیده سروری که کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری است، شروع می‌شود. او کسی است که مسبب اجرای طرح معلمان جهادی در دبستان شیخ طوسی است. دوازده سال سابقه در آموزش و پرورش دارد. او با اینکه تا به حال استخدام آموزش و پرورش نشده است، به عنوان نیروی خرید خدمات در حال انجام وظیفه است و با تمام توانش در این شغل خدمت می‌کند. می‌گوید: فعالیت جهادی را از مساجد شروع کردم و از آنجایی که علاقه زیادی به امر آموزش داشتم وارد فضای مدرسه شدم. با شیوع بیماری کرونا متأسفانه دانش‌آموزان جامانده از تحصیل زیاد داشتیم و این دغدغه اصلی من برای اجرای طرح جهادی شد.

با یک دانش‌آموز شروع کردم

با خنده می‌گوید: خاطره‌ای از اجرای طرحم دارم. شروع طرحم از سال ۱۴۰۱ در مسجد بایک شاگرد بود و با اشتیاق تدریس می‌کردم. بعد با اولیای زیادی آشنا شدم که درخواست می‌کردند فرزندانشان در این دوره‌ها شرکت کنند. بعد از آن با همکاران و دوستان فرهنگی‌ام صحبت کردم و آن‌ها هم با این طرح جهادی موافقت کردند. تا اینکه توانستیم با همکاری مسئول آموزش و پرورش ناحیه ۵ با سه مدرسه در شهرک باهنر همکاری کنیم. وقتی اداره موافقت خود را اعلام کرد بلافاصله فراخوانی زدیم و کارمان را شروع کردیم. برای اولین بار توانستیم فعالیت جهادی خود را امسال در مدارس دولتی شروع کنیم و تمام تلاش‌هایم را در این طرح در نواحی هفت‌گانه مشهد گسترش یابیم. این بانوی پرتلاش در اردوی جهادی که به یکی از روستاهای تربت جام داشته است به پنجاه دانش‌آموز در چهار روز در سه نوبت از پایه اول تا ششم آموزش داده است. این معلم و فعال فرهنگی فرمانده پایگاه مسجد فاطمه الزهرا (س) بوده و در دوره دوازدهم کاندیدای مجلس شورای اسلامی هم شده است. او در باره آرزویش می‌گوید: من تمام تلاش‌هایم را می‌کنم تا کودکان جامانده از تحصیل را آموزش بدهم. آرزویم این است که هیچ دانش‌آموزی ترک تحصیل نکند.

ریحانه بن‌زاده روزی دوستی می‌گفت، شوق و شور داشته باشی، زندگی برایت بی‌معنا نمی‌شود. آن جمله مثل یک تابلوی بی‌گوشه ذهنم جا خوش کرده بود و هر جا که مهربانی و دلسوزی آدم‌ها را می‌دیدم همان جمله به یاد می‌آمد. مثل همان روزی که فهمیده سروری، معلم جهادی، با افتخار گفت: «زنگ خانه‌های منطقه را تک به تک می‌زدیم و بچه‌ها را دعوت به شرکت در کلاس‌های درس می‌کردیم. با خانواده‌ها صحبت و آن‌ها را راضی می‌کردیم. اجازه بدهند بچه‌هایشان سرکلاس درس بیایند.»